ISSN: 2676-4245 Home Page: Ijsp.ut.ac.ir

The University Of Tehran Press

Journal of Social Problems of Iran

Youth and Marriage: Challenges and Threats (A Sociological Explanation of Factors Inhibiting Marriage Among Youth in Kerman Province)

Kamal javanmard[1]

1. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Quds City, Iran.E-mail: javanmardkamal@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Delayed marriage,

Marriage, Social capital,,

Structural factors,

Youth.

ABSTRACT

Marriage postponement is a multifaceted phenomenon that is influenced by economic, cultural, social, and institutional factors. This investigation evaluated the relative contributions of factors that impede marriage among young individuals aged 18–35 in Kerman Province. A mixed-methods design was implemented in the applied research. A meta-synthesis was conducted during the qualitative phase, which was based on the six-stage model of Sandelowski and Barroso. Out of the 89 identified studies, 32 were chosen, resulting in the formulation of 220 initial codes, 40 subcategories, and seven dimensions: economic, cultural, social, familial, psychological, structural, and institutional. 400 young individuals from the province's 23 counties were selected through proportionate stratified sampling during the quantitative phase. The data were collected using a 220-item questionnaire that was developed by the researcher (overall Cronbach's alpha = 0.96) and analyzed using multiple linear regression in SPSS version 26. Marriage postponement was significantly and positively associated with all seven dimensions ($p < 0.05$). Economic factors exhibited the most significant explanatory contributions in separate simple regressions ($R^2 = 0.279$), with cultural ($R^2 = 0.145$) and social factors ($R^2 = 0.133$) following in that order. The overall multiple regression model was significant and accounted for 39.7% of the variance in marriage postponement. The results emphasize the following: employment insecurity, housing challenges, marriage expenses, shifting values, and a decline in social capital. Consequently, the reduction of obstacles to marriage necessitates the implementation of coordinated policies regarding housing, employment, institutional support, and the development of more robust social networks.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: http//doi.org/000000000000000000

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: http//doi.org/00000000000000000000000

سامانه نشریه: Ijsp.ut.ac.ir
شاپا الکترونیکی: 2676-4245

بررسی مسائل اجتماعی ایران

انتشارات دانشگاه تهران

جوانان و ازدواج: چالش‌ها و تهدیدها
(تبیین جامعه‌شناختی عوامل بازدارنده در ازدواج جوانان استان کرمان)

کمال جوانمرد[1]✉

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی شهر قدس، ایران. رایانامه: javanmardkamal@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت:
تاریخ بازنگری:
تاریخ پذیرش:
تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:
ازدواج، تأخیر در ازدواج، جوانان، سرمایهٔ اجتماعی، عوامل ساختاری.

چکیده

تأخیر در ازدواج پدیده‌ای چندبعدی است که از شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نهادی تأثیر می‌پذیرد و بر تشکیل خانواده و تحولات جمعیتی اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل بازدارندهٔ ازدواج جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال استان کرمان و تعیین سهم نسبی آن‌ها انجام شد. پژوهش کاربردی و رویکرد آن آمیختهٔ کیفی–کمی بود. در بخش کیفی، فراترکیب براساس الگوی شش‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو انجام شد. از ۸۹ مطالعهٔ شناسایی‌شده، ۳۲ مطالعه انتخاب و ۲۲۰ کد اولیه، ۴۰ مقولهٔ فرعی و هفت مقولهٔ اصلی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری و نهادی استخراج شدند. در بخش کمی، ۴۰۰ نفر از جوانان ۲۳ شهرستان با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامهٔ محقق‌ساختهٔ ۲۲۰ گویه‌ای گردآوری شد و آلفای کرونباخ کل آن ۰/۹۶ بود. داده‌ها با رگرسیون خطی چندگانه در SPSS نسخهٔ ۲۶ تحلیل شدند. نتایج نشان داد هر هفت عامل رابطهٔ مثبت و معناداری با تأخیر ازدواج دارند ($p < ۰/۰۵$). در رگرسیون‌های جداگانه، عوامل اقتصادی بیشترین قدرت تبیین را داشتند ($R^2 = ۰/۲۷۹$) و پس از آن عوامل فرهنگی ($R^2 = ۰/۱۴۵$) و اجتماعی ($R^2 = ۰/۱۳۳$) قرار گرفتند. مدل چندگانه معنادار بود و ۳۹/۷ درصد واریانس تأخیر ازدواج را تبیین کرد. یافته‌ها بر نقش ناامنی شغلی، دشواری تأمین مسکن، هزینه‌های ازدواج، تغییر ارزش‌ها و کاهش سرمایهٔ اجتماعی تأکید دارند؛ بنابراین، کاهش موانع ازدواج مستلزم اجرای سیاست‌های هماهنگ در حوزهٔ اشتغال، مسکن، حمایت نهادی و تقویت شبکه‌های اجتماعی است.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. *عنوان مجله*، ۲ (۴)، ۲۰-۱.
DOI: http//doi.org/0000000000000000000000000

ناشر: موسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.
DOI: http//doi.org/0000000000000000000000000

۱. مقدمه

ازدواج به‌عنوان کهن‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی بنیادین در بازتولید ساختار خانواده، انتقال سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی، و انسجام هویتی جوامع ایفا کرده است (Giddens, 2018: 110; Parsons, 1955: 55). کارکردهای چندگانهٔ این نهاد، از تنظیم روابط جنسی و عاطفی گرفته تا تأمین امنیت اقتصادی و بازتولید نسلی، آن را به یکی از پایدارترین الگوهای کنش اجتماعی در تمامی ادوار تاریخ بشری تبدیل کرده است (Hosseini et al., 2019: 147). با وجود این کارکردهای حیاتی، در دهه‌های اخیر شاهد دگرگونی بنیادین در الگوهای ازدواج در ایران بوده‌ایم که مهم‌ترین نمود آن، افزایش بی‌سابقهٔ میانگین سن ازدواج و شیوع پدیدهٔ تجرد گزینی در میان جوانان است (Soroush & Torkashvand Moradabadi, 2021: 52). این تحول را باید محصول تعامل پیچیدهٔ نیروهای ساختاری و کنش‌های فردی دانست. در سطح کلان، فشارهای اقتصادی ناشی از تورم مزمن، بحران مسکن و ناپایداری بازار کار، هزینه‌های ازدواج را به سطحی بی‌سابقه افزایش داده است (Mokhtari et al., 2021: 48). در سطح میانی، تغییر در کارکرد خانواده، افزایش نرخ طلاق و کاهش اعتماد میان‌نسلی، فرایند همسریابی را با دشواری‌های جدیدی مواجه ساخته است (Amiri et al., 2022: 31; Kazemipour & Sadeghi, 2020: 55). در سطح خرد نیز تحول در نظام ارزشی جوانان –با اولویت‌یافتن تحصیلات تکمیلی، استقلال مالی، و خودشکوفایی فردی بر ازدواج– به‌تعویق‌اندازی این تصمیم حیاتی است (Rahmani & Fallahat, 2023: 44). تأخیر در ازدواج را دیگر نمی‌توان یک انتخاب فردی صرف تلقی کرد، بلکه باید آن را به‌مثابهٔ آسیب اجتماعی چندساحتی درنظر گرفت که پیامدهای جمعیتی (کاهش نرخ باروری)، روان‌شناختی (افزایش اختلالات ناشی از تجرد اجباری) و اقتصادی (کاهش سرمایهٔ اجتماعی و بهره‌وری نسلی) را به دنبال داشته است (McDonald, 2021: 21). این پیامدها، به‌ویژه در استان‌هایی با نابرابری‌های درون‌منطقه‌ای چشمگیر، نمودی آشکارتر می‌یابند.

استان کرمان به‌عنوان پهناورترین استان کشور، از چنین نابرابری عمیق رنج می‌برد؛ به‌گونه‌ای که شهرستان‌های شمالی (کرمان، رفسنجان، سیرجان) با شاخص‌های توسعه‌یافتگی نسبتاً مطلوب‌تر و شهرستان‌های جنوبی (جیرفت، کهنوج، عنبرآباد) با محرومیت‌های مزمن اقتصادی و زیرساختی، بسترهای کاملاً متفاوتی را برای تصمیم‌گیری جوانان دربارهٔ ازدواج فراهم کرده‌اند (Kerman Provincial Governorate, 2023). براساس داده‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن ازدواج در کلان‌شهر کرمان به ۳۰/۱ سال برای مردان و ۲۶/۸ سال برای زنان رسیده که به‌طور معناداری بالاتر از میانگین کشوری (۲۷/۲ و ۲۳/۴ سال) است. این شکاف آماری، پرسش از عوامل این تأخیر را به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی در استان تبدیل کرده است. باوجود انبوه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ تأخیر ازدواج در ایران (Nazari et al., 2020: 54; Sadeghi & Mirzaei, 2021: 25; Habibpour et al., 2022: 33)، کماکان سه شکاف تحقیقاتی قابل‌شناسایی است: ۱. اغلب مطالعات پیشین به تبیین تک‌عاملی (فقط اقتصادی یا فقط فرهنگی) اکتفا کرده و از تحلیل تعاملی عوامل غفلت کرده‌اند؛ ۲. کمتر پژوهشی به تفاوت‌های درون‌استانی در الگوی تأخیر ازدواج پرداخته است؛ ۳. رویکرد روش‌شناختی آمیخته (کیفی–کمی) که هم‌زمان بتواند ابعاد عینی (شاخص‌های اقتصادی) و ذهنی (نگرش‌ها و ادراکات) را پوشش دهد، تاکنون در بستر استان کرمان به‌کار گرفته نشده است.

پژوهش حاضر برای پرکردن این شکاف‌ها، با بهره‌گیری از روش آمیخته (ترکیب پیمایش کمی و فراترکیب کیفی) به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که کدام‌یک از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی، بیشترین سهم را در تأخیر ازدواج جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال استان کرمان ایفا می‌کنند و شدت تأثیر هر یک چگونه است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

۲–۱. پیشینهٔ نظری

تأخیر در ازدواج به‌مثابهٔ یک مسئلهٔ اجتماعی چندبعدی نیازمند چارچوبی نظری است که هم‌زمان به ابعاد خرد (فردی–روان‌شناختی) و کلان (ساختاری–اجتماعی) بپردازد. در این پژوهش، برای تبیین جامع این پدیده از تلفیق سه دسته نظریه استفاده شد.

از منظر روان‌شناسی تحولی، اریک اریکسون (۱۹۶۸) در نظریهٔ مراحل روانی–اجتماعی خود، دورهٔ جوانی را مرحلهٔ «هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش» می‌داند (Erikson, 1968: 130). به‌زعم اریکسون، موفقیت در این مرحله مستلزم تثبیت هویت فردی و دستیابی به بلوغ هیجانی و اجتماعی است. در غیر این صورت، جوانان با بحران هویت مواجه می‌شوند و توانایی ورود به تعهدات پایدار مانند ازدواج را پیدا نمی‌کنند. براین‌اساس، تأخیر در ازدواج می‌تواند بازتابی از ناتوانی در تکمیل فرایند هویت‌یابی و عدم آمادگی روانی برای پذیرش نقش‌های زناشویی باشد. در سطح تصمیم‌گیری فردی، نظریهٔ مبادله و نظریهٔ تصمیم‌گیری عقلانی بر نقش ارزیابی هزینه–فایده در انتخاب‌های ازدواجی تأکید دارند. براساس این رویکرد، جوانان با سنجش مزایا (امنیت عاطفی، حمایت اجتماعی) و معایب (هزینه‌های اقتصادی، محدودیت‌های فردی) ازدواج، آن رار به تعویق می‌اندازند (Coleman, 1990: 1–26, 123). تالکوت پارسونز (۱۹۵۵) در نظریهٔ کارکردگرایانهٔ خود، خانواده را به‌عنوان کارگزار اصلی جامعه‌پذیری و تثبیت شخصیت بزرگسالان معرفی می‌کند (Parsons, 1955: 23). از این منظر، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، چارچوب‌های هنجاری ازدواج را تعیین می‌کنند و هرگونه تغییر در این ساختارهای هنجاری، به تغییر در الگوهای ازدواجی منجر می‌شود (Parsons & Bales, 1955: 20). براساس این نظریه، تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی (مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش تحصیلات) سبب دگرگونی در هنجارهای خانوادگی و الگوهای ازدواجی می‌شود.

پیر بوردیو (۱۹۸۶) با نظریهٔ سرمایه‌های خود، چارچوبی قدرتمند برای تحلیل نابرابری‌های ساختاری در دسترسی به ازدواج ارائه می‌دهد (Bourdieu, 1986: 243). بوردیو معتقد است موقعیت اجتماعی افراد، تابعی از انباشت سه نوع سرمایه است: سرمایهٔ اقتصادی (درآمد، دارایی، مسکن)، سرمایهٔ فرهنگی (تحصیلات، مهارت‌ها، ذائقه‌های فرهنگی) و سرمایهٔ اجتماعی (شبکه‌های روابط، حمایت‌های خانوادگی و دوستانه). در بستر ازدواج، کمبود هریک از این سرمایه‌ها می‌تواند به‌عنوان بازدارنده‌ای جدی عمل کند. گری بکر (۱۹۹۱) با نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، بر نقش تحصیلات و مهارت‌های فردی در افزایش بهره‌وری و درآمد تأکید دارد و معتقد است جوانان با سرمایه‌گذاری بر تحصیلات تکمیلی، ورود به بازار کار را به ازدواج اولویت می‌دهند (Becker, 1991: 54–79, 89).

اندرو چرلین (۲۰۰۴) با نظریهٔ «غیرنهادین‌شدن ازدواج» نشان می‌دهد ازدواج در جوامع مدرن، دیگر یک نهاد الزامی و هنجارمندی نیست، بلکه به انتخابی فردی تبدیل شده است که تحت تأثیر فردگرایی، گزینه‌های جایگزین مانند هم‌زیستی و کاهش فشارهای اجتماعی قرار دارد (Cherlin, 2004: 849; Lauer & Yodanis, 2010: 60). جیمز کلمن (۱۹۹۰) با نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی، بر نقش شبکه‌های روابط، اعتماد و هنجارهای متقابل در تسهیل کنش‌های جمعی تأکید دارد. از منظر کلمن، سرمایهٔ اجتماعی به‌مثابهٔ پلی بین سرمایهٔ انسانی (فردی) و سرمایهٔ اقتصادی (ساختاری) عمل می‌کند (Coleman, 1990: 300).

۲–۲. پیشینهٔ تجربی

مطالعات داخلی و خارجی متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج پرداخته‌اند و ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی و جمعیتی این پدیده را شناسایی کرده‌اند. در ادامه، این مطالعات به‌صورت منسجم و موضوعی ارائه می‌شود. در دهه‌های اخیر، تأخیر در ازدواج جوانان، به‌ویژه دختران، به یکی از مسائل کلیدی اجتماعی–جمعیتی ایران تبدیل شده است.

شاه صابر و ذاکا (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای با رویکرد کیفی در پاکستان، پدیدهٔ «وایت هود» (انتظار اجباری) را در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد محدودیت‌های ساختاری، انتظارات اجتماعی و تلاقی طبقه، مکان (شهری–روستایی) و جنسیت، تجربهٔ گذار به بزرگسالی را شکل می‌دهند. درحالی‌که جوانان مرفه شهری، هویت‌جویی خود را آگاهانه تمدید

می‌کنند، جوانان محروم روستایی «وایت هود» را به‌عنوان توقف اجباری پیشرفت شخصی تجربه می‌کنند (Shah et al., 2025: 10660).

چوی و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعهٔ زنان کرهٔ جنوبی (با پایین‌ترین نرخ باروری جهان) دریافتند که ثبات مالی نقشی حیاتی در تمایل به ازدواج ایفا می‌کند. زنان مجرد با وضعیت اقتصادی پایدار، تمایل بیشتری به تأخیر ازدواج نشان می‌دهند که بازتابی از «شک نسبت به ازدواج» در جامعهٔ کره است. عوامل ارزشی، فرهنگی و شادی شخصی نیز از چالش‌هایی‌اند که نسل‌های جوان را از ورود به ازدواج بازمی‌دارند (Choi et al., 2024: 74). بشتنووا و نابروشکینا (۲۰۲۴) با مصاحبه‌های عمیق از دو نسل (۱۸–۳۵ سال و ۶۰+ سال) در روسیه نشان دادند ادعای «ازدست‌رفتن ارزش‌های سنتی خانواده» در نسل جوان زودهنگام است. در عوض، باید از دگرگونی این ارزش‌ها تحت تأثیر بحران‌های سیاسی–اقتصادی، عمل‌گرایی و ارزیابی انتقادی از توانایی‌های شخصی سخن گفت. نگرش به ازدواج رسمی در دو نسل تفاوت چشمگیری ندارد، اما نسل جوان به هم‌زیستی پیش از ازدواج (هم‌باشی) روی‌آوری بیشتری دارد (Besschetnova & Naberushkina, 2024: 100).

لی و کیم (۲۰۲۳) در کرهٔ جنوبی با عنوان «هزینهٔ اقتصادی ازدواج و تأثیر آن بر به‌تعویق‌افتادن ازدواج در کرهٔ جنوبی» به این نتیجه رسیدند که افزایش شدید هزینه‌های زندگی شهری، نداشتن ثبات شغلی و فشارهای مالی خانواده از مهم‌ترین موانع ازدواج در میان جوانان کرهٔ جنوبی است (Lee & Kim, 2023: 45). کوهن و ماهونی (۲۰۲۲) با بررسی نگرش نسل جدید به ازدواج دریافتند که افزایش فردگرایی، تضعیف ارزش‌های سنتی، و تمایل به استقلال شخصی موجب کاهش تمایل به ازدواج و تعویق آن شده است (Cohen & Mahoney, 2022: 39). در مطالعهٔ تاناکا و همکاران (۲۰۲۲) در ژاپن مشخص شد استرس شغلی، اشتغال بیش‌ازحد و رقابت‌های کاری نقش بازدارنده‌ای در تصمیم‌گیری جوانان برای ازدواج دارد (Tanaka et al., 2022: 72).

چرلین (۲۰۲۰) مفهوم «غیرنهادین‌شدن ازدواج» را بازنگری کرد و نشان داد ازدواج دیگر یک نهاد الزامی نیست، بلکه به انتخابی فردی تحت تأثیر فردگرایی، گزینه‌های جایگزین مانند هم‌زیستی در جهت کاهش فشارهای اجتماعی تبدیل شده است (Cherlin, 2020: 62).

اسموک و شوارتز (۲۰۲۰) در مروری بر دموگرافی خانواده‌ها، کاهش نرخ ازدواج را ناشی از استقلال اقتصادی زنان، تغییرات بازار کار و تحولات ارزشی دانستند (Smock & Schwartz, 2020: 9). ملنیکاس و همکاران (۲۰۲۲) چارچوبی مفهومی برای تأخیر در محیط‌های کم‌درآمد ارائه و عوامل اقتصادی (بیکاری، هزینه‌ها) را با فشارهای اجتماعی ترکیب کردند (Melnikas et al., 2022: 78). ساسلر و لیچر (۲۰۲۰) پیچیدگی تشکیل اتحادیه‌های زناشویی را بررسی و تأکید کردند که هم‌زیستی پیش از ازدواج، تحصیلات بالا و نابرابری‌های اقتصادی، مسیر ازدواج را متنوع و سن آن را افزایش می‌دهد (Sassler & Lichter, 2020: 35).

میرحسینی و حسین‌زاده (۱۴۰۲) در واکاوی فهم دختران مجرد یاسوج، زمینه‌های اقتصادی–اجتماعی مانند عدم مطلوبیت اقتصادی ازدواج، انتظارات تعمیم‌یافته و تغییرات ارزش‌های خانوادگی را عامل مختل‌کنندهٔ محاسبهٔ سود و زیان ازدواج دانستند (Mirhosseini & Hosseinzadeh, 2023: 372).

ترابی و شمس قهفرخی (۱۴۰۰) با مرور ۳۰ مطالعه، عوامل اقتصادی و تحصیلی را فراوان‌ترین دلایل تأخیر برشمردند که ناشی از نوسازی و صنعتی‌شدن است و باروری را کاهش می‌دهد (Torabi & Shams Ghahfarokhi, 2022: 141).

مختاری و همکاران (۱۴۰۰) علل را خانوادهٔ ضد ازدواج، شخصیت فرصت‌طلب و جامعهٔ مشوق تجرد عنوان کردند که به هیجانات منفی و راهبردهای انطباقی منجر می‌شود (Mokhtari et al., 2021: 46). سروش و ترکاشوند مرادآبادی (۱۴۰۰) سن ایدئال

را جنسیت‌محور تحلیل کردند و بیکاری را دلیل اصلی مردان و حساسیت انتخاب را برای زنان دانستند (Soroush & Torkashvand Moradabadi, 2021: 53–84). حسینی، صادقی و رضایی (۱۳۹۸) با تحلیل سرشماری، تأخیر را در غرب ایران بیشتر و مرتبط با عدم تعادل بازار ازدواج و بیکاری مردان یافتند (Hosseini et al., 2019: 147). روین، فعله‌گری و کیانی (۱۳۹۶) دختران را در جدال سنت–مدرنیته توصیف کردند که فشارهای اجتماعی ایجاد می‌کند (Parvin et al., 2017: 185). صادقی و شکفته‌گوهری (۱۳۹۶) تجرد بیکاران را هشت برابر شاغلان گزارش دادند و بر ناامنی شغلی تأکید ورزیدند (Sadeghi & Shekofteh-Gohari, 2017: 141). عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) بسترهای بازدارنده را فراتر از عوامل اقتصادی دانستند (Abbaszadeh & Nikdel, 2016: 493). محبی، سیاح و حسینی (۱۳۹۵) تأخیر را فرصت‌سازی یا علل ریسک و آنومی توصیف کردند (Mahobi et al., 2016: 251).

رستمی، سعادتی و نوابی‌نژاد (۱۳۹۴) روابط تأخیر با بهوشیاری و اضطراب را مثبت یافتند (Rostami et al., 2017: 7) و نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۵) دلایل اقتصادی مردان و تحصیلی زنان را برجسته کردند و کاهش انتظارات والدین را پیشنهاد دادند (Nikmanesh & Kazemi, 2006: 77). نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با رویکردی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی عوامل تأخیر ازدواج را هم‌زمان و در تعامل با یکدیگر بررسی می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر ادراکات، نگرش‌ها و تجارب زیستهٔ جوانان، به تحلیل عمیق‌تری از علل و پیامدهای تأخیر در ازدواج می‌پردازد. همچنین برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که به رویکردهای کمی و تک‌عاملی بسنده کرده‌اند، در این تحقیق از روش کیفی بهره گرفته شد تا به درک عمیق‌تری از ابعاد پنهان و معنایی این پدیده دست یابیم. از این منظر، پژوهش حاضر می‌تواند خلأ موجود در مطالعات نظری و کاربردی این حوزه را تا حدی پوشش دهد و پیشنهادهایی واقع‌بینانه‌تر برای سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی ارائه کند.

۲–۳. مدل مفهومی



شکل ۱. مدل مفهومی

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در میان جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال استان کرمان، از نوع کاربردی و با رویکرد آمیخته (کیفی–کمی) طراحی شده است. در رویکرد کیفی، از روش فراترکیب براساس الگوی شش‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو استفاده شد تا چارچوب مفهومی عوامل استخراج شود. جامعهٔ این مرحله شامل کلیهٔ پژوهش‌های مرتبط داخلی جامعه شامل کلیهٔ پژوهش‌های مرتبط داخلی (سید، نورمگز، ایرانداک) و خارجی (اسکوپوس، گوگل اسکلار) بود. پس از جستجوی نظام‌مند با کلیدواژه‌های «تأخیر ازدواج»، «ازدواج جوانان» و معادل‌های انگلیسی، ۸۹ مطالعه شناسایی و درنهایت ۳۲ منبع واجد شرایط (دارای ارتباط موضوعی، روش‌شناسی معتبر و دادهٔ کافی) انتخاب شد. مراحل اجرا شامل شناسایی، غربالگری، استخراج داده‌ها، کدگذاری باز (۲۲۰ کد اولیه)، کدگذاری محوری (۴۰ مقولهٔ فرعی مانند ناامنی شغلی و تغییر ارزش‌ها) و کدگذاری انتخابی (۷ مقولهٔ اصلی: اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری، نهادی) بود. روایی براساس معیارهای لینکلن و گوبا (قابلیت

اعتبار با بازبینی گروهی، انتقال با تنوع منابع، اعتماد با مستندسازی و تأییدپذیری با بازبینی مستقل) و پایایی با توافق بین کدگذاران ۸۷٪ (فرمول هولستی) تأمین شد. این مرحله مدل مفهومی مقدماتی را برای طراحی ابزار کمی فراهم کرد.

در مرحلهٔ کمی، از روش پیمایشی با تمرکز بر رگرسیون خطی چندگانه بهره گرفته شد تا روابط چندمتغیرهٔ عوامل بر متغیر وابسته (تأخیر ازدواج) بررسی شود. جامعهٔ آماری جوانان ۱۸–۳۵ سالهٔ ساکن ۲۳ شهرستان استان کرمان (۱،۲۱۱،۳۱۲ نفر برآورد ۱۴۰۳) بود و نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با جمعیت هر شهرستان انجام گرفت؛ حجم نمونه ۴۰۰ نفر (براساس فرمول کوکران با اطمینان ۹۵ درصد، خطا ۵ درصد و افزودن ۱۰ درصد ریزش) تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامهٔ محقق‌ساخته با ۲۲۰ گویه در هفت بعد اصلی (به‌علاوهٔ اطلاعات دموگرافیک) و طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای بود که برمبنای فراترکیب طراحی شد. روایی صوری توسط ده استاد جامعه‌شناسی و روش تحقیق تأیید شد و پایایی با آلفای کرونباخ محاسبه شد (جدول ۱).

جدول ۱. آلفای کرونباخ

بعد	تعداد گویه	تفسیر	آلفای کرونباخ
اقتصادی	۳۲	عالی	۰/۹۴
نهادی	۲۸	عالی	۰/۹۳
ساختاری	۳۰	عالی	۰/۹۳
فرهنگی	۳۲	عالی	۰/۹۰
روان‌شناختی	۳۲	عالی	۰/۸۹
اجتماعی	۳۴	خیلی خوب	۰/۸۸
خانوادگی	۳۲	خیلی خوب	۰/۸۷
کل پرسشنامه (۲۲۰ گویه)	۲۲۰	عالی	۰/۹۶

تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۶ و روش رگرسیون خطی چندگانه انجام گرفت که در آن، هفت مقولهٔ اصلی به‌عنوان متغیرهای مستقل و سن ازدواج (به‌عنوان شاخص تأخیر) به‌عنوان متغیر وابسته وارد مدل شد.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۲. کدهای به‌دست‌آمده از فراترکیب

کدهای اولیه (کامل)	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ اصلی
بیکاری گستردهٔ جوانان؛ اشتغال موقت و ناپایدار؛ حقوق پایین و ناکافی؛ نبود فرصت‌های شغلی پایدار؛ کار غیررسمی بدون بیمه؛ ناامنی شغلی و قراردادهای کوتاه؛ طولانی‌بودن فرایند استخدام؛ تأخیر ورود به بازار کار پس از تحصیل	اشتغال و درآمد	اقتصادی
گرانی مهریه و جهیزیه؛ هزینهٔ زیاد مسکن و اجاره؛ هزینهٔ سنگین مراسم و تشریفات؛ گرانی طلا، حلقه و لوازم ضروری	هزینهٔ ازدواج	اقتصادی
نداشتن پس‌انداز کافی؛ نبود حمایت مالی والدین؛ بدهی و وام‌های شخصی سنگین؛ ناتوانی در تأمین پیش‌پرداخت مسکن	منابع مالی	اقتصادی
تورم شدید و کاهش قدرت خرید؛ نوسان بازار کار و درآمد؛ نااطمینانی اقتصادی آینده	شرایط کلان	اقتصادی
افزایش هزینهٔ آموزش عالی؛ طولانی‌شدن دورهٔ تحصیل	هزینهٔ تحصیل	اقتصادی
تعارض زمان‌بر شغل دوم و ازدواج؛ هزینه فرصت ازدواج برای کارآفرینان	زمان و کار	اقتصادی
رقابت مالی با همسالان؛ افزایش استانداردهای رفاهی آغاز زندگی؛ نگاه سرمایه‌محور به ازدواج؛ توقع جهیزیه؛ کمبود مشاغل متناسب با تخصص	مقایسهٔ اجتماعی مالی؛ انتظارات اقتصادی؛ نگرش اقتصادی؛ هنجارهای هزینه؛ تطابق تحصیل–کار	اقتصادی
نداشتن بیمهٔ بیکاری کارآمد؛ ناهمسانی دستمزد زنان و مردان؛ هزینهٔ زیاد حمل‌ونقل شهری؛ مالیات و کسورات سنگین حقوق	حمایت اجتماعی؛ نابرابری بازار کار؛ هزینه‌های پنهان	اقتصادی
کم‌رنگ‌شدن قداست ازدواج؛ ازدواج به‌عنوان انتخاب نه الزام؛ اولویت رشد فردی بر تشکیل خانواده؛ افزایش تساهل نسبت به تجرد طولانی؛ تجمل‌گرایی در مراسم؛ چشم‌وهم‌چشمی خانوادگی؛ برندمحوری جهیزیه و عروسی؛ معیارهای مادی سخت‌گیرانه برای همسر	تغییر ارزش‌ها؛ مادی‌گرایی	فرهنگی
استقلال‌طلبی نقش‌های جنسیتی؛ کاهش پذیرش نقش‌های سنتی؛ افزایش انتظار برابری نقش‌ها؛ حساسیت به کلیشه‌های جنسیتی؛ گسترش سبک زندگی فردمحور؛ کاهش نفوذ	تغییر نقش جنسیتی؛ الگوهای فرهنگی جدید	فرهنگی

هنجارهای سنتی؛ عادی‌سازی آشنایی‌های طولانی پیش از ازدواج؛ انعطاف کمتر در سازش فرهنگی		
تأثیر رسانه‌ها بر ذائقهٔ ازدواج؛ الگوگیری از فرهنگ‌های غیرایرانی؛ نمایش سبک‌های تجملی در زنجیره‌ها؛ تعارض ارزش‌های بومی و جهانی؛ تضعیف هنجار ازدواج آسان؛ تقویت انگ «ازدواج ساده = کم‌ارزش»؛ ارزش‌گذاری بیش‌ازحد بر «کلاس اجتماعی»؛ برجسته‌سازی ظاهر و پوشش بر صفات اخلاقی	رسانه و فرهنگ؛ هنجارسازی	فرهنگی
حساسیت فرهنگی به تفاوت‌های قومی؛ نگرانی از ناسازگاری سبک زندگی؛ اختلاف آیینی و رسوم؛ تعارض انتظارات فرهنگی خانواده‌ها؛ کاهش کارکرد آیین‌های سنتی آشنایی؛ کم‌رنگ‌شدن واسطه‌گری معتمدین محلی؛ تغییر نگاه به مهریه و جهیزیه به‌مثابهٔ «پرستیژ»؛ افت جایگاه مراسم‌های ساده و جمع‌وجور	تنوع فرهنگی؛ آیین‌ها و سنت	فرهنگی
تحصیلات طولانی‌مدت؛ رقابت تحصیلی شدید؛ تمایل به تحصیلات تکمیلی؛ ورود دیرهنگام به بازار کار	تحصیل و اشتغال	اجتماعی
کمبود فرصت آشنایی سالم؛ محدودیت تعامل دختر و پسر؛ ترس از قضاوت اجتماعی دربارهٔ ارتباط؛ کاهش تماس چهره‌به‌چهره؛ تضعیف اعتماد اجتماعی؛ کاهش سرمایهٔ پیوندی در محلات؛ کاهش شبکه‌های دوستی پایدار؛ رکود فعالیت‌های جمعی جوانان	تعامل اجتماعی؛ سرمایهٔ اجتماعی	اجتماعی
اثر الگویی چهره‌ها در شبکه‌ها؛ مقایسهٔ اجتماعی مداوم در فضای مجازی؛ تغییر معیارهای ظاهری انتخاب همسر؛ ناهماهنگی واقعیت و تصویر ذهنی از زندگی مشترک	رسانه و جامعه	اجتماعی
مهاجرت شغلی به کلان‌شهر؛ دوری از خانواده و شبکهٔ حمایتی؛ سکونت مجردی طولانی در شهر؛ تغییر هویت اجتماعی پس از مهاجرت	تحرک اجتماعی	اجتماعی
انگ اجتماعی نسبت به ازدواج ساده؛ فشار برای حفظ «کلاس» در همسرگزینی؛ انتظار تحصیلات و شغل خاص از همسر؛ قضاوت همسالان دربارهٔ زمان ازدواج	هنجار اجتماعی	اجتماعی
کمبود امکانات فراغتی سالم مشترک؛ نبود فضاهای عمومی امن برای آشنایی؛ محدودیت فعالیت‌های داوطلبانهٔ مختلط؛ کمبود انجمن‌های مهارت‌آموزی مشترک	زیرساخت اجتماعی	اجتماعی
ضعف سواد رسانه‌ای دربارهٔ روابط سالم؛ آگاهی کم از ریسک‌های رابطهٔ ناسالم؛ نبود الگوی ارتباطی سالم میان جوانان؛ فاصلهٔ نسلی در سبک تعاملات	سواد اجتماعی	اجتماعی
اختلافات دائمی والدین؛ طلاق والدین؛ خشونت خانگی در خانوادهٔ مبدأ؛ الگوهای منفی ازدواج در بستگان	تجارب منفی خانوادگی	خانوادگی
واپایش بیش‌ازحد والدین؛ دخالت مستقیم در انتخاب همسر؛ رد گزینه‌های مناسب توسط خانواده؛ تحمیل ملاک‌های سلیقه‌ای والدین	مداخلهٔ والدین	خانوادگی
نبود حمایت عاطفی خانواده؛ بی‌اعتنایی به نیاز ازدواج فرزند؛ فشار برای ازدواج خویشاوندی؛ حمایت مالی ناکافی در شروع زندگی	حمایت خانوادگی	خانوادگی
فاصلهٔ عاطفی والد و فرزند؛ نبود گفتگوی سازنده دربارهٔ ازدواج؛ تعارض ارزش‌ها بین نسل‌ها؛ کمبود وقت والدین برای تعامل	روابط خانوادگی	خانوادگی
نداشتن الگوی مثبت ازدواج؛ ازدواج دیرهنگام والدین؛ الگوگیری از شکست‌های ازدواج اقوام	الگوهای خانوادگی	خانوادگی
اختلاف طبقاتی و قومی خانواده‌ها؛ تعارض آیین‌ها و رسوم دو خانواده؛ حساسیت‌های طبقاتی و پرستیژ	سازگاری بین‌خانواده‌ای	خانوادگی
انتظارات مالی بالا از داماد و عروس؛ معیارهای غیرواقع‌بینانهٔ همسرگزینی؛ تأکید بر تحصیلات و مشاغل خاص؛ اهمیت بیش‌ازحد ظاهر، قوم، منطقه	انتظارات خانواده	خانوادگی
نگرانی خانواده از ناپایداری ازدواج فرزند؛ بدبینی خانواده به ازدواج زودهنگام؛ ترس خانواده از مسئولیت‌های مالی؛ ترجیح خانواده به ادامهٔ تحصیل فرزند	نگرش خانواده	خانوادگی
شکاف ارتباطی خواهر و برادر با جوان؛ الگوهای تربیتی اقتدارگرایانه	پویایی خویشاوندی	خانوادگی
اضطراب تعهد بلندمدت؛ ترس از شکست عاطفی؛ نگرانی از طلاق؛ ترس از محدود شدن آزادی فردی	اضطراب ازدواج	روان‌شناختی
بدبینی به پایداری روابط؛ بی‌اعتمادی به جنس مخالف؛ کاهش انگیزه برای تشکیل خانواده؛ بی‌میلی به فرزندآوری	نگرش منفی	روان‌شناختی
فردگرایی و استقلال‌طلبی؛ تمرکز بر رشد شغلی و شخصی؛ پرهیز از تعهدات مالی و عاطفی؛ ترجیح زندگی مجردی	جهت‌گیری فردی	روان‌شناختی

ضعف مهارت ارتباط با جنس مخالف؛ ناتوانی در شناخت همسر مناسب؛ ضعف در مدیریت تعارض؛ دشواری در مذاکره و توافق	مهارت‌های اجتماعی	روان‌شناختی
خودشناسی ناکافی؛ ناپختگی هیجانی؛ وابستگی عاطفی به خانواده؛ تصمیم‌گیری در موضوع ازدواج	شایستگی‌های درونی	روان‌شناختی
طرحواره‌های ناکارآمد رابطه‌ای؛ کمال‌گرایی در انتخاب همسر؛ استانداردهای بسیار سخت معیارها؛ حساسیت افراطی به رد یا پذیرش	الگوهای شناختی	روان‌شناختی
فرسودگی شغلی و بی‌انرژی‌بودن؛ افسردگی و خلق پایین موقت؛ اضطراب مالی مزمن؛ تعارض نقش شغلی–زندگی	سلامت روان و کار	روان‌شناختی
احساس ناکامی بین اهداف و واقعیت؛ عزت‌نفس پایین؛ حساسیت به مقایسهٔ اجتماعی؛ بی‌ثباتی در ترجیحات ازدواج	خودادراکی	روان‌شناختی
نبود آموزش رسمی مهارت زندگی؛ کمبود برنامه‌های مشاورهٔ پیش‌ازدواج؛ آگاهی اندک از حقوق خانواده؛ تمرکز نظام آموزشی بر محفوظات	آموزش و مهارت	ساختاری
نرخ بالای بیکاری استان؛ کمبود فرصت شغلی زنان؛ نبود حمایت از کارآفرینی جوانان؛ عدم انطباق نیاز بازار و دانشگاه	بازار کار	ساختاری
بحران دسترسی به مسکن مناسب؛ نبود طرح مسکن جوانان؛ ناکافی‌بودن وام مسکن؛ گرانی زمین و رانت ملکی	مسکن و زیرساخت	ساختاری
تمرکز خدمات در شهرهای بزرگ؛ محرومیت مناطق روستایی؛ مهاجرت اجباری برای شغل؛ فرسایش سرمایهٔ اجتماعی محلی	نابرابری فضایی	ساختاری
نبود فضاهای عمومی امن برای آشنایی؛ کمبود مراکز فرهنگی جوان‌پسند؛ ضعف پوشش خدمات مشاورهٔ مقرون‌به‌صرفه؛ دسترسی نابرابر شهر و روستا به خدمات	زیرساخت اجتماعی	ساختاری
هزینهٔ زیاد ارتباطات و اینترنت؛ حمل‌ونقل گران و زمان‌بر شهری	هزینه‌های زیست	ساختاری
نبود سیاست‌های هماهنگ اشتغال – ازدواج؛ ضعف پیوند دانشگاه–صنعت؛ تعارض ساعت کار با فراغت اجتماعی؛ نبود مرخصی‌های تشویقی ازدواج	همسویی سیاستی	ساختاری
کمبود حمایت از اجاره‌نشین‌های جوان؛ نبود بیمهٔ حمایت از بیکاری نوعروسان؛ نبود مشوق‌های مالیاتی ازدواج	حمایت مسکن؛ حمایت معیشت	ساختاری
ضعف رصد و داده‌های استانی ازدواج؛ ناکافی‌بودن وام ازدواج؛ فرایند اداری طولانی وام؛ نبود حمایت بلاعوض برای کم‌درآمدها؛ بی‌عدالتی در تخصیص تسهیلات؛ نبود مراکز همسرگزینی شفاف و معتبر؛ کمبود مراکز مشاورهٔ تخصصی؛ نبود بانک اطلاعات ازدواج جوانان؛ ناپایداری نهادهای متولی با تغییر دولت؛ موازی‌کاری نهادهای فرهنگی؛ عدم هماهنگی وزارتخانه‌های ذی‌ربط؛ نبود نظام پاسخگویی روشن؛ نبود نقشهٔ راه یکپارچهٔ استانی؛ اجرای مقطعی طرح‌های ازدواج؛ نبود بودجهٔ پایدار برنامه‌ها؛ ارزیابی‌نشدن اثربخشی طرح‌ها	داده و پایش؛ حمایت های اقتصادی؛ نهادهای خدماتی؛ حکمرانی؛ برنامه‌ریزی	نهادی
تبلیغ ناکافی ازدواج آسان در رسانه؛ کمبود محتوای آموزشی بومی؛ فاصلهٔ گفتمان نهادها با نسل جوان؛ نبود پیوست فرهنگی در طرح‌های اقتصادی	سیاست فرهنگی	نهادی
بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای رسمی؛ ناامیدی از حمایت دولت؛ باور به بی‌اثربودن سیاست‌ها	نگرش	نهادی
کمبود مشارکت جوانان در تصمیم‌سازی؛ نبود سازوکار بازخورد ذی‌نفعان؛ مشورت‌نشدن با دانشگاه و متخصصان	حکمرانی مشارکتی	نهادی
ضعف عدالت فضایی در توزیع خدمات؛ کم‌توجهی به تنوع قومی–فرهنگی کرمان؛ غلبهٔ رویکرد شهری بر نیازهای روستایی	عدالت نهادی	نهادی
تأخیر در انتشار گزارش‌های رسمی؛ نبود یکپارچگی سامانه‌های اطلاعاتی	داده و شفافیت	نهادی

از تحلیل ۵۲ منبع، ۲۲۰ کد اولیه استخراج شد که ذیل هفت مقولهٔ اصلی تجمیع شدند.

جدول ۳. آمار توصیفی پاسخگویان

متغیر	دسته‌بندی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۲۲۰	۰/۵۵
	مرد	۱۸۰	۰/۴۵

۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۰/۳۵	۱۴۰	دیپلم و پایین‌تر	تحصیلات
۰/۴۰	۱۶۰	لیسانس	
۰/۲۵	۱۰۰	فوق‌لیسانس و بالاتر	
۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۰/۳۳	۱۳۲	شاغل موقت	وضعیت اشتغال
۰/۲۰	۸۰	شاغل دائم	
۰/۲۷	۱۰۸	دانشجو	
۰/۲۰	۸۰	بیکار	
۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۲۱/۲۵	۸۵	کرمان	محل سکونت
۹/۵۰	۳۸	سیرجان	
۰۰/۹	۳۶	رفسنجان	
۰۰/۹	۳۶	جیرفت	
۶/۵۰	۲۶	بم	
۴۴/۷۵	۱۷۹		سایر (کمتر از ۵)
۱۰۰	۴۰۰		جمع
۰/۴۰	۱۶۰	کم (کمتر از ۳ میلیون)	پایگاه اقتصادی
۰/۳۸	۱۵۲	متوسط (۳–۷ میلیون)	
۰/۲۲	۸۸	بالا (بیش از ۷ میلیون)	
۱۰۰	۴۰۰		

از جمعیت پاسخگو (۵۵ درصد زن، ۴۵ درصد مرد) متعادل است و بیشترین فراوانی در گروه‌های متوسط (لیسانس ۴۰ درصد، شاغل موقت ۳۳ درصد، پایگاه کم ۴۰ درصد) قرار دارد که با آمار استانی کرمان (مرکز آمار ۱۴۰۳) هم‌خوانی دارد (نرخ بیکاری جوانان ≈۲۵ درصد، فارغ‌التحصیلان لیسانس ≈۳۸ درصد).

جدول ٤. آزمون نرمالیتی کولموگروف – اسمیرنوف

متغیر	نتیجه	p-value	درجهٔ آزادی (df)	آمارهٔ K-S
تأخیر ازدواج (سال)	نرمال	۰/۰۷۲	۴۰۰	۰/۰۶۸
عوامل اقتصادی	نرمال	۰/۱۲۴	۴۰۰	۰/۰۵۹
عوامل فرهنگی	نرمال	۰/۰۹۸	۴۰۰	۰/۰۶۲
عوامل اجتماعی	نرمال	۰/۰۸۵	۴۰۰	۰/۰۶۵
عوامل خانوادگی	نرمال	۰/۰۶۱	۴۰۰	۰/۰۷۱
عوامل روان‌شناختی	نرمال	۰/۰۵۶	۴۰۰	۰/۰۷۳
عوامل ساختاری	نرمال	۰/۱۱۸	۴۰۰	۰/۰۶۰
عوامل نهادی	نرمال	۰/۰۷۹	۴۰۰	۰/۰۶۷

آزمون کولموگروف–اسمیرنوف[1] برای بررسی نرمالیتی توزیع متغیرها انجام شد. مقدار احتمال کمتر[2] همه بالاتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهندهٔ توزیع نزدیک به نرمال در تمام متغیرها است. این نتیجه پیش‌نیاز استفاده از آزمون‌های پارامتریک رگرسیون را تأیید کرد.

آزمون فرضیهٔ اصلی

عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری، نهادی به‌طور معناداری تأخیر ازدواج جوانان ۱۸–۳۵ سالهٔ استان کرمان را پیش‌بینی می‌کنند.

[1]. K-S
[2] p-value

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندگانه

متغیر مستقل	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آمارهٔ t	مقدار احتمال
ثابت	۲۵/۹۶۲	۰/۰۲۶	۹۸۶/۹۴۶	۰/۰۰۱
اقتصادی	۰/۲۶۹	۰/۰۲۷	۹/۸۲۴	۰/۰۰۱
فرهنگی	۰/۱۷۹	۰/۰۲۶	۶/۸۸۹	۰/۰۰۱
اجتماعی	۰/۲۰۳	۰/۰۲۶	۷/۷۷۲	۰/۰۰۱
خانوادگی	۰/۰۹۶	۰/۰۲۶	۳/۶۹۸	۰/۰۰۲
روان‌شناختی	۰/۱۴۴	۰/۰۲۷	۵/۳۳۲	۰/۰۰۱
ساختاری	۰/۰۶۶	۰/۰۲۷	۲/۴۷۲	۰/۰۰۴
نهادی	۰/۱۲۰	۰/۰۲۷	۴/۴۱۲	۰/۰۰۲

جدول ۵ ضرایب مدل رگرسیون خطی چندگانه (OLS) را برای آزمون فرضیهٔ اصلی نشان می‌دهد که روابط بین هفت متغیر مستقل (عوامل اقتصادی، فرهنگی و...) و متغیر وابسته (تأخیر ازدواج) را بررسی می‌کند. همهٔ ضرایب (coef) مثبت هستند که جهت‌گیری مثبت تأثیر عوامل بر تأخیر ازدواج را تأیید می‌کند (افزایش هر عامل، سن ازدواج را افزایش می‌دهد). مقادیر p-value کمتر از ۰/۰۵ (همه $< ۰/۰۱۴$) معناداری آماری همهٔ ضرایب را نشان می‌دهد و t-valueهای بالا (حداقل ۲/۵۷۲) قدرت تخمین مدل را برجسته می‌کند. خطای استانداردهای پایین ($\approx ۰/۰۲۶$–۰/۰۲۷) دقت محاسبات را تأیید می‌کند.

جدول ٦. ANOVA

منبع تغییرات	مجموع مجذورات (SS)	درجهٔ آزادی (df)	میانگین مجذورات (MS)	آمارهٔ F	سطح معناداری
	رگرسیون	۵۲/۸۴۳	۷	۷/۵۴۹	۳۶/۸۰۰	۰/۰۰۱
	باقی‌مانده	۸۰/۴۱۳	۳۹۲	۰/۲۰۵	–	–
	کل	۱۳۳/۲۵۶	۳۹۹	–	–	–

فرضیهٔ اصلی تأیید شد. مجموعهٔ عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری و نهادی توانایی معناداری در پیش‌بینی تأخیر ازدواج جوانان استان کرمان دارند. همچنین براساس ضریب تعیین محاسبه‌شده، متغیرهای مستقل درمجموع حدود ۳۹/۷ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و ۶۰/۳ درصد باقی‌مانده به سایر عوامل خارج از مدل و خطای تبیین مربوط است. از این‌رو، فرضیهٔ اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

آزمون فرضیات فرعی

جدول ۷. نتایج رگرسیون فرضیات فرعی

فرضیه	فرضیهٔ فرعی	ضریب استاندارد	F-statistic	R^2	p-value	t-value
اول	اقتصادی	۰/۵۲۸	۱۵۳/۹۱۷	۰/۲۷۹	۰/۰۰۱	۱۲/۴۰۶
دوم	فرهنگی	۰/۳۸۱	۶۷/۷۵۹	۰/۱۴۵	۰/۰۰۱	۸/۲۳۲
سوم	اجتماعی	۰/۳۶۵	۶۱/۳۱۲	۰/۱۳۳	۰/۰۰۱	۷/۸۳۰
چهارم	خانوادگی	۰/۲۳۶	۲۳/۳۷۵	۰/۰۵۵	۰/۰۰۱	۴/۸۳۵
پنجم	روان‌شناختی	۰/۱۴۱	۷/۱۲۲	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۲/۸۵۰
ششم	ساختاری	۰/۲۰۹	۱۸/۱۸۸	۰/۰۴۴	۰/۰۰۱	۴/۲۶۵
هفتم	نهادی	۰/۱۹۹	۱۶/۳۶۹	۰/۰۴۰	۰/۰۰۱	۴/۰۴۶

جدول ۷ نتایج رگرسیون‌های خطی ساده نشان می‌دهد هر هفت عامل مورد بررسی رابطهٔ مثبت و معناداری با تأخیر ازدواج دارند. در میان این عوامل، عوامل اقتصادی با ضریب تعیین ۰/۲۷۹، بیشترین قدرت تبیین را به خود اختصاص داده‌اند. به این معنا که این عامل به‌تنهایی ۲۷/۹ درصد تغییرات متغیر تأخیر ازدواج را تبیین می‌کند. پس از آن، عوامل فرهنگی با ضریب تعیین ۰/۱۴۵ و عوامل اجتماعی با ضریب تعیین ۰/۱۳۳ قرار دارند. عوامل خانوادگی، ساختاری و نهادی نیز به‌ترتیب ۵/۵، ۴/۴ و ۴ درصد واریانس

متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. عوامل روان‌شناختی با ضریب تعیین ۰/۰۲۰، کمترین قدرت تبیین را در میان متغیرهای مورد بررسی دارند. بااین‌حال، رابطهٔ آن‌ها با تأخیر ازدواج همچنان از نظر آماری معنادار است (p =۰/۰۰۵). درمجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با سایر ابعاد، نقش برجسته‌تری در تبیین تأخیر ازدواج جوانان استان کرمان دارند.

۵. بحث

یافته‌های پژوهش حاضر مشخص کرد هر هفت عامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری و نهادی با تأخیر ازدواج جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال استان کرمان رابطهٔ مثبت و معنادار دارند. نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه نیز معناداری مدل کلی را تأیید کرد. براساس محاسبات حاصل از مجموع مجذورات جدول تحلیل واریانس، مدل حدود ۳۹/۷ درصد واریانس متغیر تأخیر ازدواج را تبیین می‌کند. همچنین نتایج رگرسیون‌های جداگانه مشخص کرد عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با سایر عوامل از قدرت تبیین بیشتری برخوردارند؛ درحالی‌که عوامل روان‌شناختی، با وجود رابطهٔ معنادار، کمترین قدرت تبیین را نشان می‌دهند. این یافته‌ها بیانگر آن است که تأخیر ازدواج در استان کرمان پدیده‌ای چندبعدی است که نمی‌توان آن را صرفاً به ترجیحات فردی یا یک عامل مشخص نسبت داد. در تبیین نقش عوامل اقتصادی، نتایج پژوهش نشان داد این عوامل بیشترین قدرت تبیین را در میان متغیرهای بررسی‌شده دارند. بیکاری، ناامنی شغلی، درآمد ناکافی، افزایش هزینه‌های زندگی، دشواری تأمین مسکن و بالابودن هزینه‌های تشکیل خانواده می‌توانند امکان ازدواج و استقلال اقتصادی جوانان را محدود کنند. این یافته با نتایج پژوهش میرحسینی و حسین‌زاده (۲۰۲۳) دربارهٔ نقش شرایط اقتصادی و اجتماعی در تجربهٔ دختران مجرد یاسوج و همچنین یافته‌های ترابی و شمس قهفرخی (۲۰۲۲) دربارهٔ اهمیت عوامل اقتصادی و تحصیلی در تأخیر ازدواج همخوانی دارد. از منظر نظریهٔ سرمایهٔ انسانی بکر، افراد در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، از جمله ازدواج، هزینه‌ها و منافع احتمالی انتخاب‌های خود را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین، هنگامی‌که جوانان از امنیت شغلی و درآمد پایدار برخوردار نباشند، ممکن است تشکیل خانواده را تا زمان دستیابی به شرایط اقتصادی مناسب‌تر به تعویق بیندازند. در این چارچوب، تأخیر ازدواج را می‌توان واکنشی به محدودیت منابع و نااطمینانی اقتصادی دانست. عوامل فرهنگی دومین دسته از عوامل مهم در تبیین تأخیر ازدواج بودند. تغییر ارزش‌های اجتماعی، گسترش فردگرایی، افزایش اهمیت استقلال شخصی، تحول در نقش‌های جنسیتی و تغییر معیارهای انتخاب همسر، از شرایطی هستند که می‌توانند نگرش جوانان به ازدواج را دگرگون کنند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های ترابی و شمس قهفرخی (۲۰۲۲) و مختاری و همکاران (۲۰۲۱) دربارهٔ نقش تحولات فرهنگی و نگرشی در تأخیر ازدواج همسو است.

همچنین دیدگاه چرلین دربارهٔ غیرنهادین‌شدن ازدواج نشان می‌دهد در جوامع معاصر، ازدواج بیش از گذشته به انتخابی فردی تبدیل شده و از الزام‌های سنتی و فشارهای اجتماعی فاصله گرفته است. در چنین شرایطی، جوانان ممکن است برای دستیابی به معیارهای مطلوب خود در زمینهٔ تحصیلات، شغل، استقلال و انتخاب همسر، زمان بیشتری را به تصمیم‌گیری اختصاص دهند. به این ترتیب، تغییرات فرهنگی را باید یکی از زمینه‌های مهم تحول در زمان‌بندی ازدواج درنظر گرفت.

در ارتباط با عوامل اجتماعی، یافته‌ها مشخص کرد این متغیرها نیز سهم معناداری در تبیین تأخیر ازدواج دارند. تغییر در شبکه‌های ارتباطی، کاهش فرصت‌های آشنایی اجتماعی، طولانی‌شدن دورهٔ تحصیل، رقابت شغلی و تحول در شیوه‌های تعامل میان جوانان می‌توانند فرایند همسرگزینی را تحت تأثیر قرار دهند. این یافته با نتایج پژوهش پروین، فعله‌گری و کیانی (۲۰۱۷:) دربارهٔ تجربهٔ زیستهٔ دختران در مواجهه با تأخیر ازدواج و پژوهش حسینی و همکاران (۲۰۱۹) دربارهٔ ارتباط شرایط اجتماعی و عدم تعادل بازار ازدواج همخوانی دارد. از منظر نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی، اعتماد متقابل و حمایت اجتماعی می‌توانند زمینهٔ شکل‌گیری روابط پایدار را فراهم کنند. در مقابل، ضعف این شبکه‌ها و کاهش فرصت‌های تعامل اجتماعی ممکن است فرایند انتخاب همسر و تشکیل خانواده را دشوارتر کند. نتایج مربوط به عوامل خانوادگی نیز نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مثبت و معنادار این عوامل با تأخیر در ازدواج است. تجربهٔ تعارضات خانوادگی، مداخلات بیش‌ازحد والدین در انتخاب همسر، محدودیت حمایت عاطفی و اقتصادی خانواده و مشاهدهٔ الگوهای ناموفق زندگی مشترک می‌توانند نگرش جوانان به ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. این موضوع با نتایج پژوهش‌های پروین و همکاران (۲۰۱۷) و مختاری و همکاران (۲۰۲۱) دربارهٔ نقش تجربه‌های خانوادگی، فشارهای اجتماعی

و راهبردهای سازگاری با تجرد همسو است. براین‌اساس خانواده، هم می‌تواند با حمایت عاطفی و اقتصادی، زمینهٔ تسهیل ازدواج را فراهم کند و هم در شرایطی که انتظارات نامتناسب یا مداخلات محدودکننده وجود دارد، به یکی از موانع تصمیم‌گیری جوانان تبدیل شود. در زمینهٔ عوامل روان‌شناختی، یافته‌های پژوهش نشان داد این عامل نیز با تأخیر ازدواج رابطهٔ مثبت و معنادار دارد، اما در مقایسه با سایر عوامل از کمترین قدرت تبیین برخوردار است. نگرانی از مسئولیت‌های زندگی مشترک، ترس از شکست ازدواج، اضطراب نسبت به آینده، کمال‌گرایی در انتخاب همسر و احساس ناآمادگی برای پذیرش تعهدات زناشویی می‌توانند در به‌تعویق‌افتادن تصمیم ازدواج نقش داشته باشند. این نتایج از یک سو با یافته‌های رستمی و همکاران (۲۰۱۷) دربارهٔ ارتباط تأخیر ازدواج با شاخص‌های روان‌شناختی و از سوی دیگر با پژوهش محبی و همکاران (۲۰۱۶) دربارهٔ ادراکات و معانی مرتبط با تأخیر ازدواج قابل‌مقایسه است. بااین‌حال، قدرت تبیین کمتر این عامل در پژوهش حاضر نشان می‌دهد در جامعهٔ آماری مورد بررسی، محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با نگرانی‌های روان‌شناختی برجستگی بیشتری دارند. البته این نتیجه به معنای بی‌اهمیت‌بودن عوامل روان‌شناختی نیست، بلکه بیانگر سهم نسبی کمتر آن‌ها در مدل‌های رگرسیونی بررسی‌شده است. در تبیین عوامل ساختاری و نهادی نیز نتایج مشخص کرد هردو دسته عامل با تأخیر ازدواج رابطهٔ مثبت و معنادار دارند. شرایط بازار کار، دسترسی به مسکن، فرصت‌های اقتصادی و عملکرد نهادهای حمایتی می‌توانند بر امکان تشکیل خانواده تأثیر بگذارند. از این منظر، ضعف در سیاست‌های اشتغال و مسکن و ناکافی‌بودن حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند نااطمینانی جوانان به آینده را افزایش دهد. این موضوع با رویکردهای جامعه‌شناختی ساختاری سازگار است که رفتارهای فردی را در ارتباط با شرایط و امکانات نهادی تحلیل می‌کنند. همچنین براساس نظریهٔ سرمایه‌های بوردیو، نابرابری در دسترسی به سرمایهٔ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند فرصت‌های افراد را در حوزه‌های مختلف زندگی، از جمله تشکیل خانواده تحت تأثیر قرار دهد. درمجموع، تفسیر یافته‌ها نشان می‌دهد تأخیر ازدواج را باید در پیوند میان شرایط ساختاری، تحولات فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های فردی بررسی کرد. محدودیت‌های اقتصادی ممکن است انتظارات جوانان از شرایط مطلوب ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد و تغییرات فرهنگی نیز می‌تواند معیارهای انتخاب همسر و زمان مناسب ازدواج را دگرگون سازد. همچنین شرایط خانوادگی و اجتماعی ممکن است بر نگرش‌ها و آمادگی روان‌شناختی افراد اثر بگذارد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی عوامل بازدارندهٔ ازدواج جوانان ۱۸ تا ۳۵ سالهٔ استان کرمان انجام گرفت. نتایج نشان داد هر هفت عامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روان‌شناختی، ساختاری و نهادی با تأخیر ازدواج رابطهٔ مثبت و معنادار دارند. مدل رگرسیون چندگانه نیز از نظر آماری معنادار بود و براساس محاسبات جدول تحلیل واریانس، حدود ۳۹/۷ درصد واریانس تأخیر ازدواج را تبیین کرد. مطابق یافته‌ها، عوامل اقتصادی با ضریب تعیین ۲۷/۹ درصد، بیشترین قدرت تبیین را در میان رگرسیون‌های جداگانه دارند. پس از آن، عوامل فرهنگی با ۱۴/۵ درصد و عوامل اجتماعی با ۱۳/۳ درصد قرار گرفتند. عوامل خانوادگی، ساختاری و نهادی نیز سهم معناداری در تبیین این پدیده داشتند. عوامل روان‌شناختی، با وجود رابطهٔ مثبت و معنادار، کمترین قدرت تبیین را نشان دادند. براین‌اساس، تأخیر ازدواج در میان جوانان استان کرمان را باید پدیده‌ای چندبعدی دانست که در آن، شرایط اقتصادی و اجتماعی در کنار تحولات فرهنگی، خانوادگی و نهادی نقش دارند.

برمبنای این یافته‌ها، سیاست‌گذاری برای کاهش موانع ازدواج باید فراتر از توصیه‌های فردی و فرهنگی باشد و شرایط ساختاری زندگی جوانان را نیز مورد توجه قرار دهد. بهبود فرصت‌های اشتغال پایدار، تسهیل دسترسی به مسکن مناسب، حمایت از استقلال اقتصادی جوانان، کاهش هزینه‌های غیرضروری ازدواج و تقویت حمایت‌های نهادی می‌توانند از اولویت‌های سیاستی باشند. همچنین ارائهٔ آموزش‌های پیش از ازدواج، خدمات مشاوره‌ای، تقویت مهارت‌های ارتباطی و افزایش حمایت خانواده‌ها می‌تواند در کاهش نگرانی‌های روان‌شناختی و خانوادگی مؤثر باشد. با توجه به تفاوت شرایط اقتصادی و اجتماعی شهرستان‌های استان، طراحی برنامه‌های متناسب با ویژگی‌های محلی نیز اهمیت دارد. درنهایت، براساس نتایج این پژوهش، کاهش تأخیر ازدواج مستلزم رویکردی هماهنگ و چندسطحی است؛ رویکردی که از یک سو محدودیت‌های اقتصادی و نهادی را کاهش دهد و از سوی دیگر،

تحولات فرهنگی، روابط اجتماعی و نیازهای روان‌شناختی جوانان را درنظر بگیرد؛ بنابراین، توجه هم‌زمان به شرایط ساختاری و زمینه‌های فردی می‌تواند مبنای مناسب‌تری برای تدوین سیاست‌های اجتماعی و جمعیتی در زمینهٔ تسهیل ازدواج جوانان استان کرمان فراهم سازد.

۷. پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، راهکارهای زیر در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تسهیل ازدواج جوانان استان کرمان ارائه می‌شود.

پیشنهادهای کوتاه‌مدت (۱ تا ۲ سال): در افق کوتاه‌مدت، اقدامات عملیاتی و زودبازده در دو حوزهٔ اقتصادی و فرهنگی در اولویت قرار دارد. در بعد اقتصادی، افزایش مبلغ وام ازدواج به پانصد میلیون ریال و هم‌زمان تسهیل فرایند دریافت آن از طریق کاهش تعداد ضامنان و ساده‌سازی مدارک می‌تواند بخشی از دغدغه‌های مالی جوانان را مرتفع سازد. بانک مرکزی و کمیتهٔ امداد به‌عنوان نهادهای متولی این امر می‌توانند با طراحی بسته‌های اعتباری ویژه، گام مؤثری در این مسیر بردارند. همچنین ایجاد صندوق قرض‌الحسنهٔ مسکن با اقساط بیست‌ساله برای زوج‌های جوان، به‌ویژه در شهرستان‌های محروم جنوبی استان می‌تواند تا حد زیادی مشکل تأمین مسکن را که یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج است، کاهش دهد. وزارت راه و شهرسازی با تخصیص سهمیه‌های ویژه به این صندوق می‌تواند نقشی کلیدی در تحقق این هدف ایفا کند. در بعد فرهنگی، تولید محتوای رسانه‌ای برای ترویج فرهنگ «ازدواج آسان» و کاهش تشریفات‌گرایی، یکی از ضروری‌ترین اقدامات کوتاه‌مدت به‌شمار می‌رود. صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی می‌توانند با تولید سریال‌ها، مستندها و برنامه‌های گفتگومحور، الگوهای موفق ازدواج آسان را به نمایش بگذارند و هزینه‌های سنگین مراسم و تجمل‌گرایی را به‌عنوان یکی از موانع اصلی ازدواج، مورد نقد قرار دهند. در کنار این، راه‌اندازی پویش‌های اجتماعی در شبکه‌های مجازی با شعارهایی نظیر «ازدواج آسان، زندگی پایدار» و «ساده‌تر از همیشه» می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت تأثیرگذاران مجازی (اینفلوئنسرها)، نگرش جوانان را به هزینه‌های ازدواج تعدیل کند و انگاره‌های ذهنی نادرست را که ازدواج را مترادف با تشریفات سنگین می‌داند، تغییر دهد.

پیشنهادهای میان‌مدت (۳ تا ۵ سال): در افق میان‌مدت، راهکارهای ساختاری‌تر در حوزه‌های اشتغال، آموزش و پژوهش مطرح می‌شود که نیازمند هماهنگی بین‌نهادی و سرمایه‌گذاری مستمر است. در حوزهٔ اشتغال، ایجاد مشوق‌های مالی برای کارفرمایانی که جوانان متأهل را استخدام می‌کنند، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ناامنی شغلی به‌عنوان مهم‌ترین عامل اقتصادی تأخیر ازدواج ایفا کند. وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند با کاهش حق بیمهٔ کارفرمایان به میزان بیست تا سی درصد به ازای هر نیروی متأهل، انگیزهٔ کافی برای جذب جوانان متأهل در بازار کار ایجاد کنند. این سیاست، علاوه بر کاهش نرخ بیکاری، زمینهٔ شکل‌گیری خانواده‌های پایدارتر را نیز فراهم می‌سازد؛ زیرا درآمد ثابت، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تصمیم‌گیری برای ازدواج است.

در حوزهٔ آموزش و توانمندسازی، گنجاندن مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض، مدیریت مالی و هوش هیجانی در برنامه‌های پیشاازدواج، از راهکارهای میان‌مدت مؤثر به‌شمار می‌رود. براساس یافته‌های پژوهش که عوامل روان‌شناختی را به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار (هرچند ضعیف‌تر) شناسایی کرد، برگزاری دوره‌های آموزش اجباری بیست‌ساعته برای جوانان در آستانهٔ ازدواج می‌تواند ضمن افزایش آمادگی روانی و کاهش ترس از تعهد، مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک را تقویت کند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان بهزیستی و مراکز مشاورهٔ تحت نظارت قوهٔ قضاییه می‌توانند متولی برگزاری این دوره‌ها باشند و گواهی پایان دوره را به‌عنوان یکی از مدارک لازم برای ثبت ازدواج درنظر بگیرند. هم‌زمان با این اقدامات، بازنگری در محتوای آموزشی مدارس برای ترویج ارزش‌های خانوادگی و مهارت‌های زندگی، از دیگر راهکارهای میان‌مدت است. وزارت آموزش و پرورش با گنجاندن مفاهیمی نظیر مسئولیت‌پذیری در خانواده، احترام متقابل، نقش‌های جنسیتی عادلانه و اهمیت تشکیل خانواده در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی و دین و زندگی می‌تواند از دوران نوجوانی، زمینهٔ شکل‌گیری نگرش مثبت به ازدواج را در میان نسل آینده فراهم کند. این اقدام در بلندمدت می‌تواند به‌تدریج الگوهای ذهنی نسل‌های جدید را نسبت به ازدواج و خانواده تعدیل کند.

در حوزهٔ پژوهش و پایش، ایجاد سامانهٔ پایش مستمر الگوهای ازدواج در سطح شهرستان‌های استان کرمان، یکی از ضروری‌ترین اقدامات میان‌مدت به‌شمار می‌رود. استانداری کرمان با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهش‌های جمعیتی می‌توانند با طراحی سامانه‌ای جامع، داده‌های مربوط به سن ازدواج، نرخ ازدواج، عوامل مؤثر و پیامدهای آن را در سطح هر شهرستان به‌صورت برخط (آنلاین) جمع‌آوری و تحلیل کنند. این سامانه، علاوه بر امکان پایش مستمر وضعیت، بستری برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌های اجرایی فراهم می‌آورد و به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا راهکارها را براساس شواهد به‌روز، اصلاح و بازطراحی کنند.

پیشنهادهای بلندمدت (۵ تا ۱۰ سال): در افق بلندمدت، راهکارهای کلان و ساختاری مطرح می‌شوند که نیازمند عزم ملی، اصلاحات قانونی و سرمایه‌گذاری گستردهٔ دولت است. در حوزهٔ مسکن، اصلاح نظام تأمین مسکن با اولویت جوانان و زوج‌های کم‌درآمد، مهم‌ترین راهکار بلندمدت به‌شمار می‌رود. مجلس شورای اسلامی و دولت با افزایش سهمیهٔ مسکن اجتماعی، وام‌های بلندمدت با بهرهٔ پایین و تخصیص زمین‌های دولتی به زوج‌های جوان می‌توانند به‌تدریج بحران مسکن را که به‌عنوان یکی از موانع اصلی ازدواج شناسایی شده مدیریت کنند. تجربهٔ کشورهای موفق در این حوزه نشان می‌دهد سیاست‌های تأمین مسکن، زمانی مؤثر واقع می‌شوند که به‌صورت مستمر و با نگاه بلندمدت اجرا شوند و به طرح‌های موقتی و محدود خلاصه نشوند.

در حوزهٔ سیاست‌های جمعیتی، تدوین سیاست‌های مبتنی بر شواهد با تمرکز بر کاهش نابرابری‌های درون‌استانی، از دیگر راهکارهای بلندمدت است. ستاد ملی جمعیت با همکاری دستگاه‌های اجرایی می‌تواند با طراحی بسته‌های سیاستی متناسب با شرایط هر منطقه (شمال و جنوب استان)، از رویکرد یک اندازهٔ واحد برای همه فاصله بگیرد و سیاست‌های متمایز و هدفمند را تدوین کند؛ برای نمونه، در شهرستان‌های جنوبی که نرخ بیکاری بالایی دارند، سیاست‌های اشتغال‌محور و در شهرستان‌های مرکزی که تحت تأثیر فرهنگ مدرن و رسانه‌های مجازی قرار دارند، سیاست‌های فرهنگی–رسانه‌ای باید در اولویت قرار گیرد.

در حوزهٔ اقتصاد منطقه‌ای، ایجاد مناطق ویژهٔ اشتغال در شهرستان‌های جنوبی استان، یکی از راهکارهای اساسی برای کاهش مهاجرت و بیکاری به‌شمار می‌رود. وزارت اقتصاد، امور دارایی و استانداری کرمان با تعریف مشوق‌های سرمایه‌گذاری، تسهیلات مالیاتی و ایجاد شهرک‌های صنعتی در مناطق محروم می‌توانند زمینهٔ اشتغال پایدار را برای جوانان جنوب استان فراهم کنند. این اقدام، علاوه بر کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، با کاهش فشار مهاجرت به مرکز استان، به تعادل جمعیتی و همچنین کاهش تأخیر ازدواج در مناطق محروم کمک خواهد کرد.

درنهایت، راه‌اندازی سامانهٔ ملی همسریابی رسمی با نظارت نهادهای دولتی و شرعی، به‌عنوان یک راهکار نهادی–فناورانه مطرح می‌شود. وزارت ورزش و جوانان با همکاری سازمان ثبت‌احوال، وزارت کشور و نهادهای دینی می‌تواند بستری رسمی، امن و مورد اعتماد برای آشنایی جوانان با یکدیگر فراهم کند که ضمن حفظ حریم‌های شرعی و قانونی، فرایند همسریابی را تسهیل کند. این سامانه می‌تواند با بهره‌گیری از الگوریتم‌های همتاسازی براساس معیارهای مورد نظر جوانان (از جمله تحصیلات، سن، شغل، ارزش‌های دینی و خانوادگی)، هزینه‌های جستجو و زمان صرف‌شده برای یافتن همسر را کاهش دهد و به‌ویژه برای جوانانی که به شبکه‌های سنتی همسریابی دسترسی ندارند، فرصت‌های تازه‌ای ایجاد کند. بااین‌حال، راه‌اندازی چنین سامانه‌ای نیازمند مطالعات دقیق کارشناسی، شفافیت در فرایندها و نیز فرهنگ‌سازی مناسب برای پذیرش عمومی است تا ضمن جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، اعتماد جوانان و خانواده‌ها را جلب کند.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده عبارت‌اند از:

- پژوهش طولی: انجام پژوهش در بازهٔ زمانی پنج‌ساله برای بررسی تغییرات الگوهای ازدواج و تأثیر سیاست‌های مداخله‌ای؛
- تحلیل جنسیتی: بررسی تفاوت‌های الگوی تأخیر ازدواج در زنان و مردان با رویکرد کیفی عمیق‌تر و مصاحبه‌های فردی؛
- ارزیابی سیاست‌ها: پژوهش درمورد اثربخشی سیاست‌های حمایتی موجود (وام ازدواج، مسکن) در تسهیل ازدواج جوانان؛
- نقش فناوری‌های دیجیتال: بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر نگرش جوانان به ازدواج و همسرگزینی؛

۸. سپاسگزاری

از مدیرکل محترم ورزش و جوانان استان کرمان و همچنین از مدیر محترم پژوهش این ادارهٔ کل و همهٔ مدیران تربیت‌بدنی شهرستان‌های مختلف به‌ویژه مدیران شهرستان‌های کرمان، سیرجان، رفسنجان، بم، بافت، زرند و بردسیر قدردانی می‌شود.

۹. تعارض منافع

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی ملی مربوط به وزارت ورزش و جوانان است.

References

Abbaszadeh, M., & Nikdel, N. (2016). A study of the contextual factors contributing to delayed marriage among women: A descriptive phenomenological approach. *Women in Culture and Art, 8*(4), 493–516. https://doi.org/10.22059/jwica.2016.61791 (In Persian)

Besschetnova, O. V., & Naberushkina, E. K. (2024). Family values: Youth's attitudes vs. older generation. *Sociology, 4*(4), 100–107.

Becker, G. S. (1991). *A treatise on the family* (Enlarged ed.). Harvard University Press.

Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). *Greenwood Press*.

Cherlin, A. J. (2022). The deinstitutionalization of marriage revisited. *Journal of Marriage and Family, 84*(5), 1265–1282.

Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family, 66*(4), 848–861. https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00058

Choi, K., Kim, G., Yoo, D., & Lee, J. (2024). Does economic stability influence family development? Insights from women in Korea with the lowest childbirth rates worldwide. *Economies, 12*(3), 74.

Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Belknap Press of Harvard University Press.

Darhaki, A., & Mahmoudian, H. (2012). Delayed marriage: Adaptation or crisis? A critical examination of the ideal age of marriage among graduate students at the University of Tehran. *Iranian Population Studies, 13*, 73–94. https://www.jpaiassoc.ir/article_722446.html (In Persian)

Entezari, A., Ghiasvand, A., & Abbasi, F. (2018). Factors influencing the increase in the age of marriage among young people in Tehran. *Social Welfare and Development Planning, 9*(34), 201–269. https://doi.org/10.22054/qjsd.2018.9452 (In Persian)

Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. W. W. Norton & Company.

Giddens, A (2018). *Sociología* (8th ed.). Alianza Editorial.

Hosseini, H., Sadeghi, R., & Rezaei, A. (2019). Factors influencing delayed marriage among women in Iranian counties. *Local Development (Rural–Urban), 11*(1), 147–172. https://doi.org/10.22059/jrd.2019.74459 (In Persian)

Javanmard, K. (2025). *Sport in the thought of sociologists*. Tehran: Baznegah Publications. (In Persian)

Kooshesh, M., & Ghorbani, Z. (2012). A demographic study of the effect of early marriage on women's marriage patterns. *Social and Psychological Studies of Women*, *31*, 109–134. doi: 10.22051/jwsps.2012.1428 (In Persian)

Lauer, S., & Yodanis, C. (2010). The deinstitutionalization of marriage revisited: A new institutional approach to marriage. *Journal of Family Theory & Review*, *2*(1), 58–72. https://doi.org/10.1111/j.1756-2589.2010.00039.

Mahobi, S., Sayyah, M., & Hosseini, S. (2016). Semantic implications of delayed marriage among female university students. *Culture in the Islamic University*, *19*, 251–274. https://ciu.nahad.ir/article_357.html (In Persian)

Melnikas, A. J., Saul, G., Pandey, N., Gueye, M., Mkandawire, J., Diarra, A., & Amin, S. (2022). A conceptual framework for understanding child marriage, marriage markets, and marriageability. *African Journal of Reproductive Health/La Revue Africaine de la Santé Reproductive*, *26*(12), 78-87. https://doi.org/10.29063/ajrh2022/v26i12s.9

Mirhosseini, Z., & Hosseinzadeh, H. (2023). Exploring single women's understanding of the socioeconomic factors contributing to delayed marriage: A case study of single women in Yasuj. *Social Welfare and Development Planning*, *57*, 372–416. https://doi.org/10.22054/qjsd.2023.68073.2363 (In Persian)

Mokhtari, S., Manshaei, G. R., & Yousefi, Z. (2021). Identifying the phenomenon of delayed marriage among women: A grounded theory study. *Applied Family Therapy*, *2*(2), 46–66. (In Persian)

Nikmanesh, Z., & Kazemi, Y. (2006). Causes and solutions to delayed marriage among young people. *Educational Psychology Studies*, *5*, 77–94. https://doi.org/10.22111/jeps.2007.768 (In Persian)

Parvin, S., Falehgar, Z., & Kiani, M. (2017). Girls' lived experiences of delayed marriage and a typology of coping strategies. *Social Work Research*, *12*, 185–240. https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.10040 (In Persian)

Parsons, T. (1955). The American family: Its relations to personality and to the social structure. In T. Parsons & R. F. Bales (Eds.), *Family, socialization and interaction* process. Free Press.

Parsons, T., & Bales, R. F. (1955). *Family, socialization and interaction process.* Free Press.

Rezvani, M., & Kalantari, A. (2023). Grounded theory on delayed marriage in urban Iran. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, *12*(1), 45–60.

Rostami, M., Saadati, N., & Navabi-Nejad, S. (2017). Examining the relationship between delayed marriage, self-awareness, mindfulness, and mental health among single university students. *Counseling and Psychotherapy Excellence*, *16*, 7–24. https://sanad.iau.ir/Journal/jci/Article/932212 (In Persian)

Sadeghi, R., & Shekofteh-Gohari, M. (2007). A study of the consequences of unemployment for delayed marriage among young people in Tehran. *Social Welfare and Development Planning*, *30*, 141–175. https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8012 (In Persian)

Sassler, S., & Lichter, D. T. (2020). Cohabitation and marriage: Complexity and diversity in union formation. *Journal of Marriage and Family*, *82*(1), 35–61. https://doi.org/10.1111/jomf.12617

Shah, R., Sabir, I., & Zaka, A. (2025). Interdependence and waithood: Exploration of family dynamics and young adults' life course trajectories in Pakistan. *Advances in Life Course Research, 63*, 100660.

Smock, P. J., & Schwartz, C. R. (2022). The demography of families: A review of patterns and change. *Journal of Marriage and Family, 84*(4), 1012–1032. https://doi.org/10.1111/jomf.12829

Soroush, V., & Torkashvand Moradabadi, M. (2021). Examining the factors influencing the delay in the ideal age of marriage among young people experiencing delayed marriage in Yazd Province. *Yazd Culture, 3*(11), 53–84. (In Persian)

Torabi, F., & Shams Ghahfarokhi, Z. (2021). Factors influencing delayed marriage in Iran and worldwide. *Iranian Population Studies, 32*(2), 141–175. https://doi.org/10.22034/jpai.2022.547779.1219 (In Persian)

آماده انتشار